

مسعود کیخا\*

## تأثیر تحریم؛ بازیگران ایرانی بازیگردان آمریکایی

بازهم همان قصه تحریم اما این بار کمی تازه است؛ سناریوی تازه. قصه تحریم و تحریم کنندگان دیگر تکراری نیست؛ بازیگردانان تحریم تغییر کرده‌اند. کارتر، کلینتون، اوباما، ترامپ و حالا کیمیایی، تنابنده، علیدوستی، مهران فر و... .

گروه دانشگاه ایسکانیوز، مسعود کیخا: تحریم، تحریم، تحریم؛ نه تازه است نه ساده، نه می‌توان آن را کاغذ پاره دانست نه غول مرحله آخر. تحریم، تحریم است؛ سخت، کمرشکن، برای مقابله با یک ملت، برای تحت فشار قرار دادن یک کشور به همراه مردمش، برای از بین بردن آرزوهای یک کودک، کودکی بیمار؛ برای آب شدن دل یک مادر، مادری که فرزندش، تمام جانش نیاز به دارو دارد؛ اما تحریم است.

کودک نمی‌داند تحریم چیست، نوزاد نمی‌داند دلار چیست؛ بالا برود پایین بیاید او شیر می‌خواهد نه شیرخشک فاسدی که کاسب تحریم وارد می‌کند. پدر می‌داند تحریم چیست چون هر روز از داروخانه با جیب خالی‌تر برمی‌گردد تا اینکه یک روز دیگر دستش خالی است؛ دستهای پینه بسته‌ای که قرار بود فرزندش را در آغوش بگیرد.

تحریم‌ها نه بچه‌بازی بود نه بازیچه، سناریوی تکراری، بازیگردان تکراری، غرب تحریم می‌کرد ملت ایران تحمل و تلاش. فشار اقتصادی کمر خیلی از خانواده‌های ایران را خم کرد. خیلی‌ها تحت تأثیر فشار تحریم‌های واقعا ظالمانه زندگیشان از هم پاشید و بیمارشان به‌خاطر تحریم دارو جانش را از دست داد.

مردم ایران با وجود شرایط اقتصادی که دارند بازهم دلشان را خوش می‌کنند؛ با اتفاقاتی که شاید برای مردم کشورهای دیگر خیلی عجیب به‌نظر برسد با باخت در برابر آرژانتین به خیابان‌ها می‌آیند تا شاد باشند؛ برای دربی از یک ماه قبل کری می‌خوانند و شب‌ها بیرون استادیوم تا صبح بیدار می‌مانند.

البته هستند کسانی که تفریحات لاکچری‌شان پابرجاست و نه با برنامه‌های تلویزیون سرگرم، نه با بردها خوشحال و نه از اخبار ناراحت می‌شوند؛ اما قشری هم دلخوش به سرگرمی‌هایی است که فراهم کردن بیش از آن را در توان ندارد. دوست دارد چای داغ بنوشد و سریال پایتخت را ببیند کمی جوان تره‌ایش اگر پولشان به کنسرت نرسد سینما هم می‌روند، هنردوست باشند که هرطور شده باید جشنواره فجر هم شرکت کنند. در اوج تحریم و بی‌تفریحی، تفریحشان این است که با بازیکن تیم محبوب و بازیگر فیلم دلخواهشان عکس بگیرند و استوری و پست کنند؛ اما اگر تحریم نباشند.

بازهم همان قصه تحریم اما این بار کمی تازه است؛ سناریوی تازه. قصه تحریم و تحریم کنندگان دیگر تکراری نیست؛ بازیگران جدیدی به باشگاه تحریم کنندگان اضافه شده‌اند نه کارتر، کلینتون، اوباما و ترامپ؛ حالا کیمیایی، تنابنده، خداداد، مهران فر و... .

از گذشته همه تحریم کنندگان ادعا داشتند در کنار مردم ایران هستند و به خاطر آنها بوده که فشار اقتصادی آورده‌اند و بیمارشان را از دارو و درمان محروم کردند.

اوباما پیام نوروزی می‌فرستاد که در کنار مردم ایران است و مدام تحریم‌ها را تشدید می‌کرد، آلن ایر می‌گفت سیاست آمریکا حمایت از مردم ایران است و از فشار اقتصادی بیشتر خبر می‌داد. ترامپ آمد و برای مردم ایران نوشت از ابتدای ریاست جمهوری‌ام در کنار شما هستم، ۲۵ تیر ماه ۹۷ با خرسندی به فاکس گفت: تورم در ایران حاکم شده‌است؛ ما به مردم ایران نشان خواهیم داد که صددرصد حامی آن‌ها هستیم؛ چهارشنبه ۱۳ دی هم بار دیگر خطاب به ایرانیان نوشت: شاهد حمایت بزرگ ایالات متحده در زمان مناسب خواهید بود.

انگار این تحریم و فشار و تورم، نوید بزرگی برای مردم است! نه؛ دولت و دولتمرد آسیبی از تحریم و فشار نمی‌بیند، خروج برجام نه دستهای پینه بسته پدری را پر می‌کند؛ نه جیب‌های کودکی که تا کمر در زباله‌دان‌ها خم شده است.

تحریم، تحریم است نه ساده نه غول مرحله آخر، چه ترامپ باشد چه کیمیایی، چه کارتر باشد چه تنابنده؛ تحریمشان نه به نفع مردم است نه نشانه عشق و علاقه به ملت و وطن. کارکرد تحریم تغییر نمی‌کند، باز هم ملت هدف قرار می‌گیرد، بازیگر آمریکایی اقتصاد مردم را ویران می‌کند و بازیگر ایرانی احساس مردم، دلخوشی‌ها و سرگرمی‌هایشان را.

دبیر گروه آموزش عالی ایسکانیوز\*

انتهای پیام/